

## بررسی آسیب‌شناسانه و پیشگیرانه بزهکاری در سنین نوجوانی

محمدسعید شفیعی<sup>۱</sup>، شیرین شفیعی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

---

### چکیده

وجود اقدامات آسیب‌شناسانه و پیشگیرانه در جلوگیری از بزهکاری نوجوانان اهمیت بیشتری نسبت به مجازات کردن وی دارد تا جامعه را بعنوان بستری برای رشد مطلوب نوجوانان فراهم آورد. نظر به اهمیت این نوع اقدامات و تدوین استراتژی‌های علمی و تجربی، در این مقاله پس از بیان مفاهیم نظری مرتبط، به بررسی آسیب‌شناسانه بزهکاری در نوجوانی پرداخته کلیه عوامل تأثیرگذار بر آن را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهیم و راهکارهای پیشگیری از بروز بزهکاری را در این سنین بحرانی بررسی می‌نماییم.

**واژه‌های کلیدی:** بزهکاری، نوجوان، پیشگیری، آسیب‌شناسی، کانون اصلاح و تربیت.

---

**۱. مقدمه**

بزهکاری در اجتماع ابتدا دامن گیر گروه سنی نوجوانان و جوانان می شود. گروه های سنی مذکور به موجب آمار منتشر شده از طرف مقامات ذیصلاح بیشترین مرتکبین بزه های اجتماعی را تشکیل می دهند. اهمیت دادن به مسئله ی بزهکاری به قدری مهم است که همه ی کشورهای جهان به آن توجهی خاص دارند. آمارهای منتشر شده حاکی از آن است که با وجود بهبود وضع زندگی از نظر معیشتی و خدمات بهداشتی در جهان میزان جرایم ارتكابی جوانان با سرعت بیشتری رو به افزایش است و در هر جامعه ای نیز نوع آن با جامعه دیگر تفاوت دارد. از آنجائیکه پیشرفت و ترقی هر جامعه ای در گرو سلامتی آن جامعه از هر نظر می باشد، لذا تحقیق در مورد پدیده بزهکاری نوجوانان بسیار رهگشا برای علت یابی جرائم و خطاها می باشند تا از این طریق بتوان کمبودها و نارسائیها را دریافت و در صدد رفع این مشکلات اقدام نمود. اعمال بزهکارانه در جوامع و کشورهای مختلف و حتی طی زمانهای متفاوت در یک کشور متغیر است. از آنجا که همه افراد بزهکار الزاماً به چنگ قانون گرفتار نمی شوند، بنابراین نمیتوان ادعا کرد همه نوجوانان بزهکار در ایران همان کسانی هستند که در کانون های اصلاح و تربیت نگهداری می شوند. افرادی که بزهکار نیستند صرفاً به خاطر یک رفتار که ممکن است ناشی از انگیزه هایی جز بزهکاری باشد به دام افتاده باشند. براین اساس باید پس از آسیب شناسی بزهکاری نوجوانان، مجموعه استراتژی های اساسی و مبتنی بر زیرساخت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسبی فراهم نمود که با اجرای آنها بتوان اقدامات پیشگیرانه مطلوب و مناسبی در جهت کاهش بزهکاری در سنین نوجوانی ایجاد نمود.

**۲. تعریف بزهکاری**

یکی از مسائل و مشکلات بغرنج جوامع امروز که توجه بسیاری از روان شناسان، جامعه شناسان و حقوقدانان را به خود جلب کرده است مساله رواج بزهکاری در بین نوجوانان و جوانان است. بزهکاری از نظر حقوقی به اعمالی گفته می شود که بر خلاف قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی از سوی جوانان زیر ۱۸ سال صورت می گیرد. اعمالی مثل غیبت از مدرسه، دروغگویی های مکرر، فرار از خانه، ولگردی، گدایی، ایجاد حریق، تخریب، راندگی بدون گواهینامه، سرقت، حمل مواد مخدر، زیر پا گذاشتن حقوق دیگران، انحرافات جنسی و... در زمره اعمال بزهکارانه رایج در بین جوانان است (فرجاد، ۱۳۸۳)؛ به عبارت دیگر، بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های اجتماعی مختلف به شکل های متفاوتی دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجار های اجتماعی آن جامعه مشخص می شود. اگرچه در بیشتر جوامع، بزه به عنوان رفتاری قابل تنبیه از طرف قانون تعریف شده است؛ اما صرفاً در تبیین آن مفهوم حقوقی مسئله کافی نیست. بزهکاری به معنای تعدادی متغیر از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی که می تواند ماهیت های مختلفی داشته باشد، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است (امینی، ۱۳۸۷: ۱۵).

بزهکاری پدیده اجتماعی جهانی است که معمولاً برای جرایم نوجوانان زیر ۱۸ سال به کار برده می شود. گرچه، جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه رو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کار برده می شود که اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می دهند (سلحشور، ۱۳۹۰: ۵). با توجه به این که احکام در جامعه های گوناگون متفاوت است، فرد متخلف در یک جامعه، ممکن است در جامعه دیگر از تخلف مبری باشد. در کشور ما بزهکاری به مجموعه کل جرایمی گفته می شود که در صورت ارتكاب، مجازات هایی از قبیل قصاص، دیات، حدود و تعزیرات را در پی دارد.

**۳. نظریات مرتبط با موضوع****۳.۱. نظریه آسیب شناسی اجتماعی**

آسیب شناسی اجتماعی، جامعه را با موجود زنده قابل مقایسه دانسته و به شیوع حالت زندگی سالم و طبیعی در آن قائل است. لذا از این منظر بزهکاری نوجوانان چونان مسئله ایی اجتماعی، انحراف از این حالت طبیعی محسوب شده و این بیماری برای

افراد و جامعه غیر طبیعی به شمار می آید. بزهکاری نوجوانان از این نگره چونان وضعیت غیر طبیعی افرادی بیمار تعریف می شود که از مجموعه انتظارات معین اخلاقی به واسطه نقصان اخلاقی (آسیب شناسی متقدم) یا وجود نهادها و آداب و رسوم بیمارگون (آسیب شناسی متاخر) انحراف یافته اند. بدین منوال شرایط زمینه ساز بروز بزهکاری نوجوانان شامل پدیده ی تکامل زیستی و اجتماعی است؛ چنان که در این راستا بنا به عقیده آسیب شناسان متقدم، بزهکاران نوجوانان از نظر اخلاقی و زندگی غیر اخلاقی شهری جدید نمایانگر ناکارآمدی فرآیند تطور اجتماعی هستند و این در حالی است که آسیب شناسان متاخر عقیده دارند در این میان الگوها و نهادهای اجتماعی تکامل یافته اند که در تقابل با نیازهای اساسی انسان می باشند. در زمینه پیامدها هم این دیدگاه، بزهکاری نوجوانان را موجب زیان و خسارت و ناراحتی غیر ضروری برای انسان می داند که در صورت عدم کنترل به واسطه اشاعه، کل جامعه را نابود خواهد ساخت. بالاخره در حیطه ارائه راه حل برای بزهکاری نوجوانان، آسیب شناسان متقدم به اصلاح تعلیم و تربیت اخلاقی از حیث آموزشی اخلاقیات طبقه متوسط به منحرفین یا تولید مثل انتخابی و اصلاح نژاد وارثین اخلاقیات منحط اعتقاد داشته اند؛ ولی آسیب شناسان متاخر به جای اصلاح این بزهکاران به اصلاحات گسترده ی اجتماعی و تغییر نهادها و تعلیمات مدنی شهروندان التفات نموده اند.

### ۳.۲. نظریه انحراف رفتاری

از دیدگاه نظریه انحراف رفتاری همانطور که جامعه دارای نقش ها و فرهنگ های کجرو بوده است؛ دارای نقش ها و فرهنگ های همنا و قانونی نیز می باشد. براین پایه در این چشم انداز بزهکاری نوجوانان چونان رفتار انحرافی افراد و گروههای نوجوان در تخطی از هنجارهای جامعه و تعدی به توقعات هنجارهای آن تعریف شده و علت اصلی خود را در جامعه پذیری نامناسب خصوصاً از حیث غلبه یادگیری الگوهای ناهمنوایی بر الگوهای همنوایی از گروههای نخستین باز می یابد. در این بین فاصله ساختی میان اهداف و ابزارهای فرهنگی و اجتماعی و نیز وجود خرده فرهنگ های بزهکاری، از جمله شرایط زمینه ساز بروز بزهکاری نوجوانان در این دیدگاه به شمار می آیند و پیامدهایی نظیر هزینه برداری بزهکاری و تحقق جراحات و صدمات مادی و معنوی را برای نوجوانان بدنبال دارند و در شکل کلی تر، گسترش خرده فرهنگ های انحرافی بزهکاران نوجوان میتواند به تقویت نقش های بزهکارانه در میان نوجوانان منجر گردد. بالاخره راه حل مسله اجتماعی بزهکاری نوجوانان در این دیدگاه متضمن بازپروری و جامعه پذیری مجدد بزهکاران نوجوان جهت همنا سازی آنها با هنجارهای نوجوانان طبقه متوسط بوده که برای نیل به این مقصود هم می توان نسبت به تغییر گروههای نخستین بزهکار نوجوان یا تشویق و تنبیه متوازن همنوایی یا ناهمنوایی آنان در عین کاهش ارتباطشان با نقش های ناهمنوا و افزایش تماسشان بانقش های مشروع اقدام کرد.

### ۳.۳. نظریه بی سازمانی اجتماعی

دیدگاه بی سازمانی اجتماعی به اتکاء آراء جامعه شناسانی از قبیل کولی، آگبرن، توماس و زنانیکی در بررسی مسائل اجتماعی بیش از آنکه به مطالعه اشخاص بپردازد؛ به تامل و اندیشه در قواعد اجتماعی پرداخته است. در این میان نظریه بی سازمانی اجتماعی خود به دو دیدگاه قدیم و جدید تقسیم گردید، چنانکه دیدگاه قدیم آن بی سازمانی را با انگارشی محافظه کارانه به اجتماع افراد و محیط بلافصل ایشان ارجاع می داد و دیدگاه جدید بی سازمانی با انگارشی رادیکال تر، بی سازمانی را به جامعه منتسب می ساخت و تاکید می کرد مجرم و قربانی و فرد محتاج بازپروری همگی در همین جامعه روزگار می گذرانند. از دیدگاه بی سازمانی اجتماعی جامعه یک نظام پیچیده و پویاست که بخش های مختلف آن از قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می شوند و هنگامی که مسئله ایی یک بخش از نظام را تغییر می دهد؛ سایر بخش های آن می بایست خود را با بخش های دیگر آن هماهنگ و سازگار نمایند. بی سازمانی اجتماعی نهایتاً به ناسازگاری یا سازگاری ضعیف بین قسمت های مختلف اشاره می کند (رابینگتن، وینبرگ، ۱۳۷۷، ۴۹). از اینرو این چشم انداز بزهکاری نوجوانان را چونان برآیند بی سازمانی اجتماعی در نظر گرفته که ناتوانی قواعد اجتماعی را نیز منعکس می سازد. در این حال از جمله علل بروز

بزهکاری نوجوانان می توان از تغییرات اجتماعی نام برد که مسبب ناهماهنگی قسمت های گوناگون و با مناسب سازی قوانین موجود از انتظام روابط و رفتارهای افراد خصوصاً نوجوانان جلوگیری می کند.

### ۳.۴. نظریه برچسب زنی

دیدگاه برچسب زنی، بزهکاری نوجوانان را چونان تعریف ذهنی در نظر می گیرد تا محصول شرایط عینی. بدین سان این چشم انداز به تعمیم و کاربرد و پیامدهای تعاریف اجتماعی به مثابه برچسب های اجتماعی گروهها و عوامل گوناگون چونان برآیند تعاملات افراد و گروهها توجه دارد و در این راستا در تعریف بزهکاری نوجوانان مدعی می شود هنگامی افراد یا وضعیت هایی به منزله نوجوانان بزهکار و بزهکاری نوجوانان در نظر می آیند که سایرین بر همین اساس در برابرشان واکنش نشان می دهند و نه به لحاظ بدی و شرارت ذاتی، بلکه به واسطه لکه ننگ و قبحی که دیگران به آن می چسبانند تبدیل به مسئله ای اجتماعی می شوند. همچنین در زمینه برچسب زنی بزهکاری نوجوانان باید گفت برچسب زدن به نوجوان بزهکار یا بزهکاری نوجوانان چونان فرد و وضعیتی مسئله آمیز معمولاً منجر به تنظیم مجدد روابط اجتماعی نظیر منزوی سازی نوجوانان بزهکار از سایر نوجوانان هم‌نوا، اختتام اقدام ظاهراً اصلاحی برچسب زنی به تثبیت بیشتر بزهکاری در نزد نوجوانان، گسترش خرده فرهنگ نوجوانان بزهکار به واسطه پیوندشان در نتیجه نیاز آنها برای کسب حمایت متقابل از یکدیگر و لذا امکان بروز فساد در کارگزاران کنترل اجتماعی مثل ارتشاء خصوصاً در رابطه با جرائم بدون قربانی نوجوانان چون قماربازی و فحشاء و استعمال مواد مخدر می انجامد. این دیدگاه برای از بین بردن بزهکاری نوجوانان دو راه حل پیش بینی می نماید که عبارتند از: در وهله اول اجتناب از طبقه بندی نوجوانان در قالب دسته های بزهکار و برچسب زنی از بزهکاری های حرفه ای به منظور کاهش رنجش ناشی از برچسب زنی و در وهله دوم انسداد مسیر انحرافات آتی در میان نوجوانان بوده است.

### ۳.۵. نظریه انتقادی

تحت شرایطی دیدگاه انتقادی کارل مارکس در شکلی متقدم به مسئله تغییر پرداخت. از دیدگاه نظریه انتقادی، مسئله ی اجتماعی بزهکاری نوجوانان چونان انعکاس سرشت نابرابر شئون ثروت و قدرت در جامعه، ریشه در استثمار طبقه تابع توسط طبقه حاکم دارد و به عبارتی متضمن طرز تلقی حاکمان از تخطی های تابعان از سیطره استثماری است. از این رو سلطه ی طبقاتی و استثمار سرمایه دارانه از مهم ترین علل و دلایل تکوین و استمرار و تشدید انواع انحرافات اجتماعی و من جمله بزهکاری نوجوانان در نزد طبقات اجتماعی به شمار می آیند. به علاوه دامنه و شدت سلطه طبقاتی در قبال ناآگاهی طبقاتی است که بر میزان بزهکاری نوجوانان در جامعه افزوده یا از آن می کاهد. در این صورت پیامدهای بزهکاری نوجوانان در تناسب رشد انحراف با رشد نظام سرمایه داری و به عبارتی تناظر انحراف با خصایص ادوار متطور اجتماعی جلوه گر شد و لذا گسترش فعالیت های سیاسی و خصوصاً انقلاب و مبارزه با نابرابری را تا نفی سرمایه داری به منظور حل مسائل اجتماعی و به ویژه بزهکاری نوجوانان ضروری می سازد. در این راستا لوئیس کوزر در زاویه ی دیدگاه انتقادی، به کارکردهای مثبت تغییر پرداخت و از این حیث تاکید بر این نکته که کارکرد هنجارها و نهادهای جدیدی به بار می آورد.

## ۴. آسیب شناسی نوجوانان نسبت به بروز جرم و جنایت

### ۴.۱. عوامل جسمی فردی

#### ۴.۱.۱. توارث

اولین عامل بدبختی و بزهکاری انسان، عنصر وراثت است «ژن» خصوصیات جسمی و روحی پدران و مادران و تبهاران را به فرزندان انتقال می دهد و به این طریق اولین سنگ وحشت انحراف فرزند گذاشته می شود فرزند یک دزد، یک آدم کش، کمتر از یک پسر دیوانه، قابلیت اداره صحیح خود را دارد، افرادی که عیوب رفتارشان، منشأ ارثی دارد، در تمام طبقات اجتماعی وجود دارند و آنان در بین اغنیا، فقرا، روشن فکران، کارگران، دهقانان می توان یافت.

قران کریم در سوره نوح در ارتباط با قانون وراثت می‌فرماید: نوح گفت: پروردگارا هیچ‌یک از کافران را بر روی زمین باقی نگذار چراکه اگر آن‌ها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسل فاجر و کافر به وجود نمی‌آوردند. البته وراثت به‌تنهایی عامل صفات ناپسند یا سعادت بشر نیست و باتربیت و عوامل تأثیرگذار در شخصیت انسانی، قابلیت تغییر دارد. به‌عنوان مثال اگر کودکی که از پدر و مادر شقی متولد می‌شود، می‌توان در اثر تربیت‌معلم یا معاشرت با دوستان شایسته آثار منفی وراثت را در وی باکمی زحمت از بین برد؛ بنابراین وراثت یک عامل بالقوه است که می‌توان آن را به فعلیت رساند و یا به‌وسیله عوامل دیگر، زمینه ظهور آن را از بین برد. حضرت علی می‌فرماید: اخلاق خوب دلیل وراثت پسندیده انسان است (غررالحکم، فصل بیست و هفتم).

## ۴.۲. عوامل اقتصادی

### ۴.۲.۱. نابرابری درآمدی

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر جرم، نابرابری اقتصادی است. نابرابری اقتصادی عمدتاً از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از جمله عوامل اثرگذار برای ایجاد پدیده جرم می‌توان به نابرابری درآمدی اشاره کرد؛ زیرا نابرابری درآمدی بیان دهک‌های جامعه منجر به ایجاد فاصله طبقاتی شده و افراد دهک‌های پائین برای پر کردن شکاف طبقاتی از طریق عاملی روانی به نام حسادت دست به جرم می‌زنند. برای به دست آوردن این شاخص می‌توان از ضریب جینی یا نسبت هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی دو دهک آخر نسبت به دو دهک اول به دست آورد.

### ۴.۲.۲. نرخ بیکاری

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین عوامل بر ایجاد جرم پدیده بیکاری است؛ زیرا بیکاری سبب فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و ... می‌شود؛ البته برخی مطالعات وجود دارد که حاکی از عدم ارتباط یا ارتباط منفی بین بیکاری و جرم هست، اما آنچه بدیهی است این است که افراد هویت خود را در موقعیت کاری که دارند، جستجو می‌کنند و هرگاه برای تمام افراد جویای کار، شغلی یافت شود، آنگاه انگیزه آن‌ها برای بروز جرم و جنایت کاهش می‌یابد. نرخ بیکاری عبارت است از جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰ یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی هر کشوری پایین بودن نرخ بیکاری در آن است (نجفی توانا، ۱۳۹۱: ۲۴۲-۲۳۷).

### ۴.۲.۳. فقر مطلق

هرچند که نتایج معدودی از مطالعات به عدم وجود رابطه بین فقر و جرم یا حتی وجود رابطه منفی بین فقر و جرم دلالت دارد، اما به عقیده نگارندگان، فقر یکی از مؤثرترین عوامل در بروز جرم است. به‌این‌ترتیب که هنگامی که فرد در شرایط سوءتغذیه، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایطی مشابه قرار گیرد، به‌ناچار گزینه فعالیت‌های غیرقانونی (ارتکاب جرم) را انتخاب می‌کند. در ادبیات دینی ما فقر عامل تمام فسادهاست. فقر به دو صورت فقر مطلق و فقر نسبی بیان می‌شود: منظور از فقر مطلق آن نوع فقری است که فرد برای به دست آوردن حداقل نیازهای غذایی (حداقل کیلوکالری غذایی) و حداقل نیازهای بهداشتی خود در مضیقه باشد و منظور از فقر نسبی، آن نوع فقری است که فرد، حداقل نیازها را داشته، اما در مقایسه با سایر افراد جامعه فقیر است. مبنای مطالعه در این پژوهش، فقر مطلق است، زیرا که به نظر می‌رسد فقر نسبی، همبستگی بالایی با شاخص نابرابری درآمدی داشته باشد و اگر فقر مطلق شاخص قرار گیرد، نتیجه واقعی‌تری خواهد داد (قطبی، ۱۳۸۷: ۷).

### ۴.۳. عامل محیطی

#### ۴.۳.۱. صنعتی شدن و مهاجرت

از اوایل قرن نوزدهم، تحولات و پیشرفت‌های صنعتی موجب شد که زندگی شهری به کلی متحول شود از یک‌سو، بهبود یافتن وضع راه‌ها و وضعیت حمل‌ونقل و توسعه رسانه‌های گروهی موجب شد که روستاییان به راحتی از مزایا و رفاه زندگی شهری اطلاع کسب نموده و بیش‌تر متوجه محرومیت‌های خود شوند و در نتیجه، برای تحصیل این مزایا و داشتن زندگی پرزرق‌وبرق، به شهرها مهاجرت نمایند. ولی با ورود به شهرها، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند و معضلات فراوانی را پیش روی خود مشاهده نمودند از قبیل تهیه مسکن مناسب، پرداخت اجاره‌بها و دست‌رسی به امکانات زندگی شهری. در این حال، آن‌ها مجبور شدند به حاشیه شهرها کشیده شوند و درصدد تهیه آونک برآیند. از سوی دیگر، به دلیل نداشتن تخصص لازم برای انجام کارهای مناسب و صنعتی، به سوی شغل‌های نامناسب از قبیل سیگارفروشی، روزنامه‌فروشی و خریدوفروش مواد مخدر روی آوردند که همین زمینه را برای ارتکاب کارهای خطرناک و جرائم فراهم می‌کند (دانش، ۱۳۸۱: ۳۳۴).

### ۴.۴. عامل فرهنگی

#### ۴.۴.۱. سطح آموزش

همین‌طور که می‌دانیم فقر علمی و آموزشی موجبات ایجاد انحرافات هستند. به‌گونه‌ای که هرچه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود، از میزان ارتکاب به جرم کاسته می‌شود.

از بعد دیگر می‌توان بیان کرد که هرچه سطح آموزش فردی که مستعد به انجام جرم است، بالاتر رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می‌شود به‌عنوان مثال در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرائم اینترنتی می‌شوند.

بنابراین، به‌طور حتم نمی‌توان بیان داشت که افزایش سطح آموزش علمی می‌تواند به کاهش میزان جرم منجر شود، بنابراین می‌توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم‌پوشانی کرد به‌گونه‌ای که با افزایش آموزش‌های فرهنگی از طریق بالا بردن اخلاق فردی، در کنار آموزش‌های عملی می‌توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست. همچنین به لحاظ اقتصادی می‌توان ادعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می‌برد (نجفی‌توانا، ۱۳۹۱: ۲۵۹-۲۵۱).

### ۵. پیشگیری از بزهکاری

#### ۵.۱. تعریف

در فرهنگ معین، «پیشگیری<sup>۱</sup>» در لغت به معنای جلوگیری، دفع، منع سرایت مرض از پیش، تقدم بحفظ، صیانت، حفظ صحت، جلوگیری از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن» و (۲) به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم‌شناسی پیش‌گیرانه، پیش‌گیری در معنی نخست آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی با استفاده از فنون مختلف از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن است و هدف از آن، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. از نظر علمی نیز، پیش‌گیری یک مفهوم منطقی - تجربی است که همزمان با تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می‌شود. «پیش‌گیری از جرم به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می‌آید. مثل پیش‌گیری از جرائم جوانان و پیش‌گیری از حوادث در جاده‌ها» (رجبی‌پور، ۱۳۸۲ ص ۱۵). شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیش‌گیری ارائه شده است.

<sup>1</sup> prevention

در موضع پیشگیری از وقوع جرم، مروری بر تعاریف ارائه شده پیرامون جرم امری گریز ناپذیر است هر چند برخی از صاحب‌نظران علم جرم‌شناسی مانند راب وایت و فیونا معتقدند پاسخ صریحی در خصوص اینکه جرم چیست وجود ندارد. این دو نفر می‌گویند: تعریف جرم متناسب با دغدغه‌ها و جهان بینی افراد متفاوت است (وایت و فیونا، ۱۳۹۲: ۴۱). برخی دیگر از جرم‌شناسان مثل ریچارد اشنایدر و تدکچین جرم را رویدادی پیچیده دانسته و می‌گویند جرم زمانی اتفاق می‌افتد که چهار عامل هم‌زمان با هم وجود داشته باشند: قانون، مجرم، هدف و مکان وقوع جرم؛ آنها به نقل از فرهنگ انگلیسی آکسفورد جرم را این‌گونه تعریف می‌کنند: «عملی دارای مجازات قانونی که به موجب قانون ممنوع بوده و برای رفاه عمومی مضر باشد» (اشنایدر و تدکچین، ۱۳۸۷: ۱۹).

گسن، جرم‌شناسی فرانسوی، برای پیش‌گیری چهار معیار در نظر گرفته است: (۱) اقدامی پیش‌گیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن تضمین پیش‌گیری از بزهکاری یا «انحرافات جرم‌گونه» باشد، یعنی اقدام موثر علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده و قاطع ایفا می‌کنند؛ (۲) تدابیر یا اقدام‌های پیش‌گیرنده جنبه جمعی دارد، یعنی مخاطب آن، کل جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن است؛ (۳) زمانی که هدف اجتناب از انتخاب رفتارهای مجرمانه یا منحرفانه است، اقدام‌ها یا تدابیری پیش‌گیرانه خوانده می‌شود که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کج‌روانه و نه بعد از آن اعمال شوند؛ (۴) اگر پیش‌گیری شامل اعمال تدابیر یا اقدام‌هایی قبل از ارتکاب هر جرم کیفری یا پیش از انتخاب هر رفتار منحرفانه است، در آن صورت، این تدابیر یا اقدام‌ها نمی‌توانند مستقیماً قهرآمیز و سرکوب‌گر باشند، زیرا اعمال سرکوبی کیفری مستلزم آن است که جرمی قبلاً ارتکاب یافته باشد.

## ۵.۲. سطوح پیشگیری

پیچیدگی ماهیت بزهکاری پیشگیری را نیز مشکل می‌کند و رهپایان آن‌ها چندگانگی است که می‌تواند به کلیه عوامل خطرزا در نظر بگیرد. از دیدگاه بهداشت عمومی در پیشگیری بزه، استراتژی‌ها مداخله در سه سطح کلی همانند سایر مسائل بهداشتی و اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود. این سه سطح شامل پیشگیری نوع اول یا اولیه پیشگیری نوع دوم یا ثانویه و پیشگیری نوع سوم یا ثالثیه است که براساس سطوح مختلف برای هر جامعه‌ای متغیر است.

### ۵.۲.۱. پیشگیری اولیه (سطح اول): ایجاد یک محیط سالم

در پیشگیری اولیه به ریشه مسئله و عوامل خطرزای محیطی توجه می‌شود. این نوع پیشگیری سعی بر آن دارد که امکان درگیر شدن با مسئله طوری پیش‌برود که هرگز محلی برای رشد مسئله وجود نداشته باشد. به همین علت استراتژی‌های برنامه ضرورتاً طوری انتخاب می‌شوند که بتوانند عوامل مخاطرآمیز را کاهش دهند، وضع قوانین که بعضی از محدودیت‌ها را ایجاد می‌کنند از آن جمله‌اند. برای مثال در جامعه‌ای که حمل اسلحه آزاد است، این آزادی خود یک عامل خطرزای امکان‌پذیر شدن با مسئله بزه است. بنا براین منع حمل اسلحه یکی از استراتژی‌ها در آن جامعه خواهد بود. اگر چه تناقضاتی در بعضی از یافته‌های پژوهش‌ها در مورد کنترل بزه وجود دارد لیکن اکثر یافته‌ها بیانگر آنند که برنامه‌های پیشگیری مستقیم‌تر تأثیر زیادی در کاهش رفتارهای بزهکارانه نداشته‌اند در مقابل به پژوهش‌هایی نیز بر می‌خوریم که نشان داده‌اند مداخله اولیه جامعه و خانواده متفقاً در کنترل بزهکاری تأثیر دارند. عمده برنامه‌ریزی‌های این مداخلات بر اساس یافته‌هایی است که نشان می‌دهند عوامل خانوادگی مانند: طلاق، مرگ والدین، کثرت اولاد، فقدان حمایت‌های روانی و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی فرزندان بی‌انضباطی در خانواده، وجود فرد بزهکار یا ناسازگار اجتماعی، خیانت زن یا شوهر، اختلافات خانوادگی، طرد از خانواده، فقدان زمینه‌های تربیتی مناسب در خانواده، مسکن نامناسب از نظر فضای فیزیکی و فقر در تقویت و یا کنترل بزهکاری نقش دارند. عوامل اجتماعی مانند: بیسوادی، رشد بی‌رویه جمعیت، صنعتی شدن، اختلافات طبقاتی، قوانین تحمیلی، بی‌عدالتی اجتماعی، بیکاری، جنگ، محیط اجتماعی نامناسب (زندگی در جوار بزهکاران) فقدان امکانات تفریحی سالم و قابل دسترس همه طبقات جامعه، زاغه‌نشینی، زورمداری سیاسی، در کنترل و رشد بزه مؤثرند. به همین جهت

استراتژی های مداخله ای خانواده گرا و جامعه گرا در پیشگیری نوع اول اهمیت پیدا می کنند. خلاصه اینکه در سطح اول پیشگیری عمده مسئولیت به عهده خانواده و جامعه است. بسیاری از دیدگاه های روانشناختی، سن مناسب برای سطح پیشگیری نوع اول را قبل از ۸ سالگی می دانند.

### ۵.۲.۲. پیشگیری ثانویه (سطح دوم): کاهش عوامل خطرزا

در پیشگیری ثانویه هدف کلی دورنگهداشتن فرد از فعالیت هایی است که خطر برچسب بزه را در فرد تقویت می کند. مثل کنترل خشم و خشونت، کنترل خانواده بر رفتارهای ضداجتماعی و دوری از دوستان بزهکار. پیشگیری نوع دوم نیز مانند پیشگیری نوع اول استراتژی های برنامه ریزی خود را براساس یافته های پژوهش ها طرح می کند و تاکید زیادی بر فرد و ارتباطات فرد دارد. به همین جهت استراتژی های پیشگیری نوع دوم از طریق یادگیری مهارت های زندگی اجتماعی و ارتباطات فردی از طرف دیگر تاکید می کند. اهمیت این سطح به عنوان سطح پیشگیری کمک به افراد در معرض خطر است.

### ۵.۲.۳. پیشگیری ثالث (سطح سوم): کنترل موقعیت خطر

پیشگیری سطح سوم سعی می کند موقعیت مسئله را اصلاح و یاد آن مداخله کند و هدف آن پیشگیری از تکرار فعالیت هایی است که جرم شناخته می شود. برای این نوع پیشگیری لازم است درگیر مسائلی مانند تنبیه، جریمه و بازتوانی از طریق نظام حقوقی و قضا شود. پیشگیری نوع سوم برنامه ریزی مداخله ای و اداره موقعیت های خطرناک<sup>۱</sup> را براساس فعالیت هایی تنظیم می کند که ممکن است باعث بزهکاری شوند.

## ۶. پیشگیری و بازداری اطفال و نوجوانان در مقابل بزهکاری

روشهای درمانی بسیار زیادی برای درمان و کاهش بزهکاری مورد استفاده قرار گرفته است اعتقاد عمومی بر اینست که گسترش برنامه های اجتماعی نظیر: گواهی پیش از ازدواج، تاسیس درمانگاههای ویژه برای زنان باردار و ایجاد زایشگاهها و درمانگاههای ویژه نوزادان، برقراری و کمک هزینه های خانوادگی و بالا بردن سطح آموزش و پرورش، روان درمانی فردی و گروهی، خانواده درمانی اصلاح رفتار، کارآموزی، تفریح و مطالعه کتاب و چندین عوامل دیگر، متناسب ترین راه برای پیشگیری و مقابله با زمینه های بروز ارتکاب جرم و بزه، بصورت تیتروار مورد اشاره قرار می گیرند.

### ۶.۱. ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده

برای اینکه خانواده از محیطی آرام و سالم برخوردار باشد رعایت نکاتی ضروری است:

(۱) برقراری دوستی و تفاهم بین والدین: دوستی و تفاهم پدر و مادر موجب آسایش خاطر و اطمینان کودک و نوجوانان در خانواده می گردد. از هنگامی که نوزاد چشم به جهان می گشاید به جهان می گشاید به محبت، لبخند، مواظبت و نگهداری نیازمند است. از این رو اگر در مواردی مشکلات و مسائلی در روابط پدر و مادر وجود داشته باشد، لازم است این مسائل را بین فرزندان آشکار نکنند یا احیا نا یکی در غیاب دیگری به انتقاد و بدگویی از طرف مقابل نپردازند. اگر پدر و مادر فرزندان، مادر را مورد اهانت داشت؟ پس باید در روابط خانواده سعی شود با گذشت و سازش روابط عمومی صمیمانه را روزه روز مستحکم تر ساخته و انتظارات نا معقول و سخت گیری صمیمیت رابه سردی و درگیری تبدیل نکنیم که در این صورت اولین کسی که ضربه خواهد خورد، فرزندان معصوم و بی گناه می باشد.

(۲) همبازی شدن با کودک و نوجوان: والدین باید امکان سرگرمی، استراحت و تفریحات سالم را برای فرزندان فراهم کنند. شرکت در مسابقات ورزشی، رفتن به پارک و ترتیب دادن مسافرتها دسته جمعی، رفتن به باشگاه های ورزشی و تفریحی،

<sup>1</sup> Management Crisis Situation



فرهنگی و مجامع دینی می تواند از بزهکاری جلوگیری کند. تفریح و ورزش با کودکان و نوجوانان همیشه لذت بخش و شادی آفرین است.

۳) احتراز از رقابت در جلب محبت فرزندان: اگر والدین بخواهند که فرزندان آنها در کنارشان باقی بمانند و مسائل ساده باعث ارتباط روحی آنان نشود، باید بتوانند رابطه ای صمیمانه با فرزندان خود داشته باشند. علاوه بر این، وجود رابطه صمیمانه میان والدین و فرزندان محیط خانه را به پناهگاهی عاطفی و امن برای فرزندان تبدیل می کند که آنها می توانند در آن آرام گیرند، احساس امنیت کنند. اگر محیط خانواده برای اعضای آن یک محیط دوستانه باشد و دختر بتواند در مواقع حساس که با یک بحران روحی روبرو می شود، موضوع را با پدر و یا مادر خود مطرح کند، قطعاً از بسیاری از انحرافات که در سر راه دختران قرار می گیرد، جلوگیری خواهد شد.

۴) عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده: ناسازگاری محیط خانواده، کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می دهد. اگر اختلاف والدین به طلاق و جدائی منتهی گردد و طفل از محبت و توجه والدین یابکی از آنها محروم شود، از محیط زندگی گریزان و اصولاً دلسرد و افسرده خواهد شد و این وضع او راه را به انحراف، لغزش و بزهکاری خواهد کشانید.

۵) عدم پرخاشگری والدین نسبت به خود و یا نسبت به فرزندان: پرخاشگری والدین نسبت به یکدیگر و یا نسبت به فرزندان خود، کودک را از محیط خانواده فراری و ناراضی می سازد و ممکن است این عدم رضایت او را به سمت بزهکاری سوق دهد.

۶) پرورش حس اعتماد به نفس: ازدست دادن اعتماد به نفس موجب فلج شدن فکرو روح انسان می شود، او را از خود مایوس و متکی وابسته دیگران بار می آورد. والدین به جای اینکه همواره روی نقاط ضعف فرزند خود انگشت بگذارند و بخواهند او را تائید و تشویق نمایند تا اعتماد به نفس او بیشتر شود. توجه به نقاط مثبت باعث ایجاد اعتماد نسبت به والدین و برقرار ارتباط روحی و عاطفی با آنها می شود.

۷) حفظ شخصیت فرزندان: جوانان و نوجوانان دوست دارند شخصیت او مورد توجه و احترام قرار گیرد و به همین سبب به صورتهای مختلف به ابراز شخصیت می پردازد. اگر روزی دست به خطا زد، سعی می کند که آن را از دید دیگران پنهان سازد تا خوار نشود. از این حیث شایسته است: (۱) از هر عملی که باعث خدشه دار کردن عزت و کرامت فرزندان می شود، اجتناب کنیم. اهانت، تحقیر، بکاربردن الفاظ طعن آلود، سرکوفت زدن، شکست ها را به رخ او کشیدن، سرزنش بی جا، عواملی هستند که باعث از میان رفتن احساس شخصیت در فرزندان می شود. (۲) برای اصلاح و معایب فرزندان خود از روش های غیر مستقیم استفاده کنیم. (۳) اگر لازم آید که خطائی را بخواهیم بطور مستقیم یاد آوری کنیم بهتر است این تذکر بصورت علنی و آشکار در حضور دیگران نباشد. و یا اگر فرزند خودش عذرخواهی کرد باید عذر او را به راحتی پذیرفت.

۸) مشورت با فرزندان: مشورت با فرزندان موجب می شود که: اولاً آنها احساس کنند که در خانواده به حساب می آیند بدین ترتیب آنچه را که در دل دارند با والدین خود در میان بگذارند و همین امر سبب پیدایش صمیمیت و همدلی در خانواده می گردد. ثانیاً: اگر فرزندان مورد مشورت قرار گیرند این امر سبب می شود والدین به تدریج راه و روش فکر کردن و تصمیم گیری را به آنان بیاموزند برخی از افراد با وجود برخورداری از تحصیلات عالی، در تصمیم گیری بسیار ناتوان بوده و در زندگی اجتماعی و خانوادگی با مشکلات جدی روبرو می شود. این گونه افراد کسانی هستند که در محیط خانوادگی به درستی پرورش نیافته اند.

## ۶.۲. ابراز مهر و محبت به فرزندان

باید فرزندان را از مهر و محبت سیراب کرد. محبتی که فرزندان در خانواده می بینند، موجب آرامش روانی آنها شده و همین آرامش روان آنها را از تمایل به بسیاری از لغزش اخلاقی باز می دارد. البته باید خاطر نشان نمود که تاکید بر محبت به معنای افراط نیست محبت باید چنان باشد که: اولاً: فرزندان بیش از حد وابسته بار نیابند و بتوانند در غیاب والدین روی پای خود بایستند و همواره خود را محتاج توجه و یاری آنها نبینند. ثانیاً محبت افراطی باعث میشود که فرزند از خود راضی، پرتوقع داری بار بیاید هنگامی که وارد اجتماع می شود چون توقعات او برآورده نمی شود، سرخورده و مایوس و افسرده می گردد.

### ۶.۳. الگوهای رفتاری والدین با نوجوانان

والدین باید در رفتارهای خود به نکات زیر توجه داشته باشند:

- ۱) با کودک و نوجوان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کند.
  - ۲) برای نوجوان ارزش قائل شوند واز به کار بردن صفاتی که بی ارزش را القاء می کند، پرهیز کنند.
  - ۳) در حل مسائل به جای پرخاشگری برخورد منطقی داشته باشند تا برای نوجوان الگو شود.
  - ۴) نوجوان را از توجه به لذات زود گذر مسخ کنند و نظر آنان را به لذات درازمدت و منطقی جلب کنند.
  - ۵) زمینه استفاده از تفریحات سالم و ورزشهای مناسب را برای فرزندان خود فراهم کنند.
  - ۶) از تنبیه نوجوان پرهیز کنند و از پاداشهای مناسب در مقابل رفتارهای مطلوب استفاده نمایند.
  - ۷) از تماشای فیلم های غیر اخلاقی توسط کودکان و نوجوانان جلوگیری به عمل آورند.
- در همین راستا، افزایش مراکز خدمات روان شناختی و مشاوره و ارتقاء سطح فرهنگی عمومی برای مراجعه به این گونه مراکز در همه مقاطع زندگی، مخصوصاً در دورانهای بحرانی کمک موثری در جهت مصون نگهداشتن افراد در برابر ارتکاب بزهکاری و اعمال مجرمانه محسوب می گردد.

### ۷. نتیجه گیری

با بررسی و مطالعه ای که از علل بزهکاری به عمل آمده است بهترین طریق برای مبارزه با بزهکاری آن است که علل از میان برداشته شود این اقدام نافعتر و مؤثرتر از مجازات است. البته برای مبارزه با بزهکاری، مجازات یک وسیله مؤثر است ولی مهمترین وسیله نیست عامل اصلی پیشگیری است. به همین صورت با اصلاح شرایط عمومی زندگی نیز امکانات پایداری افراد در برابر وسوسه های اجتماعی ارتکاب بزه افزوده می شود. به چهار وسیله می توان از بزهکاری پیشگیری کرد که عبارتند از:

- ۱) مقررات قانونی: در این مورد قانون از افرادی که از نظر جسمانی، روحی، اجتماعی، نقائصی دارند حمایت می کند
  - ۲) تدابیر پزشکی و روانپزشکی: طرز رفتار یا موقعیتی خاص که مرتکب بزه شده شناسایی می کنند و به مؤسسات روانپزشکی، پزشکی، تعلیم و تربیتی اعزام می شوند.
  - ۳) اجرای تدابیر تعلیم و تربیتی: نسبت به نوجوانان ناسازگار، آنان را راهنمایی می کنند و به سازش با محیط و فراگرفتن معلومات عمومی حرفه ای برای حوائج شخصی و جلوگیری از ایجاد مزاحمت اطرافیان تشویق می کنند. اگر شرایط خانوادگی نامساعد بود آنها را به یک مؤسسه یا خانواده مساعد می سپارند که موجب تسهیل تجوید انطباق اجتماعی می شود. در این سازمانها روشهای مختلفی وجود دارند: (۱) روش معالجه با کار و (۲) روش معالجه با بازی
  - ۴) تدابیر اجتماعی: شرایط مناسب اجتماعی، اساس ضرورت رشد و تکامل روحی متعادل و سازگار نوجوان است و چون رشد روحی نوجوان به موازات رشد جسمی او از آغاز تولد شروع می شود از همان لحظه باید جهت ایجاد محیط مناسب برای پرورش اقدام کرد این نکات مستقیماً با رشد و تکامل فردی و اجتماعی نوجوان مربوط است.
- در هدایت روانی، روانپزشک، روانشناس، جامعه شناس مسؤلیت این امور را به عهده دارند. همانطور که پزشکان، جسم را معالجه می کنند روح و روان را هم بایستی بهبودی بخشند. بیماریهای روانی، ترس، کمروئی، تنبلی، لابلالی گری، بی قیدی، خودخواهی، بخل، حسد، طمع، انتقام جویی، خشم، خشونت، غضب، ترشروئی، بهانه گیری، ستیزه جویی، گوشه گیری، ناسازگاری، کبر و غرور، بی اعتنائی، نقایص اخلاقی روانی مقدمه بیماری روانی هستند. در امر تعلیم باید نوجوان را نجات بخشید و به راه راست سوق داد. نه تنها در انسان بلکه در هر فرد ذیروحي یکی از رموز اسرار طبیعت، مساعی افراد بشر برای تربیت فرزندان است که خود ناشی از سیر طبیعی است. باید در دوران نوجوانی که روح وی از هر گونه آلايشی پاک است، خصایل و ملکات اخلاقی را که لازمه یک زندگی شرافتمندانه است در اعماق قلبشان پرورش داد تا در بزرگی راه خیر و صلاح، سعادت، ایمان، فضایل اخلاقی و نفسانی را به آسانی طی نمایند. نقش معلم و مربی در اصلاح و تربیت کودکان و نقش قضاوت،

دادگاههای ویژه در اصلاح و نجات بزهکاران جوان قابل توجه است در صورتیکه نامبردگان آشنا به علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی می‌توانند پناه اطفال و بزهکاران نگون بخت بوده و آنان را به سعی و تلاش، کوشش علاقه خاص خود برای یک زندگی آبرومندانه آماده سازند از بررسی این مطالعات به این نتیجه رسیدیم که در درجه اول عوامل خانوادگی و روانی در بروز بزه بسیار مؤثر است. پس بایستی در جهت ساختن شخصیت‌های نوجوانان و بهبود محیط‌های اجتماعی، وضع اقتصادی، شرایط مناسب خانوادگی و رشد اخلاقی و معنوی بر اساس معیارهای صحیح اعتقادی کوشید تا نسل جوان را به بهترین طریق، رشد و پرورش داد.

## مراجع

۱. آشنایدر، ر؛ و تدکچین، ت. (۱۳۸۷)؛ "برنامه ریزی برای پیشگیری از وقوع جرم"، ترجمه فروزان سجودی، تهران: انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی.
۲. امینی، م. (۱۳۸۷)؛ "حق عینی و دینی در حقوق ایران و فرانسه"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. دانش، ت. (۱۳۸۱)؛ "مجرم کیست جرم‌شناسی کیست؟"، تهران: نشر کیهان، چاپ دوم.
۴. رجبی‌پور، م. (۱۳۸۲)؛ "راهنمای پیشگیری اجتماعی از جرم: تعامل پلیس و دانش آموزان"، مجله دانش انتظامی، شماره ۲۶.
۵. سلحشور، م. (۱۳۹۰)؛ "بزهکاری در میان نوجوانان"، روزنامه اعتماد، شماره ۵۱۰.
۶. فرجاد، م.ح. (۱۳۶۴)؛ "اسبب اجتماعی"، تهران: انتشارات بدر، چاپ اول.
۷. قطبی، م. (۱۳۸۷)؛ "علل ارتکاب جرم از منظر اسلام"، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۷۴.
۸. معین، م. (۱۳۷۱)؛ "فرهنگ معین"، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۹. نجفی توانا، ع. (۱۳۹۱)؛ "جرم‌شناسی"، تهران: انتشارات آموزش و سنجش، چاپ دوم.
۱۰. وایت، ر؛ و فیونا، ه. (۱۳۹۰)؛ "جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی"، ترجمه علی سلیمی وهمکاران، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.

# Pathological and Preventive Investigation of Delinquency during Adolescence

Mohammad Saeid Shafiei<sup>1</sup>, Shirin Shafiei<sup>2</sup>

1. *M.A in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Branch of Shahrekord*
2. *M.A in counseling, Islamic Azad University, Branch of Khomeinishahr*

---

## Abstract

To prevent juvenile delinquency and pave the way for the optimum growth of adolescents, it is more important to take pathological and preventive measures than to punish those who commit crimes. Considering the importance of this type of actions and measures and the need to develop scientific and practical strategies, this paper has described the related theoretical concepts and dealt with the pathology of delinquency among adolescents, in an attempt to analyze and criticize all of the underlying factors and reflect on the strategies used for preventing crimes in this critical age.

**Keywords:** delinquency, adolescents, prevention, pathology, juvenile institution.

---